

### بیانات در دیدار افشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) / ۱۶/۰۳/۱۳۷۵

نسخه امام بزرگوار ما، مسلمانان را در هر نقطه عالم عزیز کرد. امروز، مسلمانان جهان در هر نقطه‌ای از دنیا احساس عزت میکنند. روزی بود که مسلمان از مسلمانی خود احساس سرشکستگی میکرد؛ اما امروز مسلمان از مسلمانی خود احساس سربلندی و عزت میکند. اینها، کلیات حرکت امام بزرگوار ماست. عرض من این است که چه ملت ایران و چه ملت‌های دیگر، هرچه نام و یاد امام را برجسته و زنده بدارند، بیشتر از راه امام بهره خواهند برد. دشمنان اسلام و مسلمین میخواهند نام امام زایل شود و از بین برود و یا کم رنگ گردد. میخواهند وانمود کنند این حادثه که پیش آمد و اتفاق افتاد، گذشته است. میخواهند در آینده دنیا اثری نداشته باشد. ملاحظه کنید در اعمال این تصمیمات، شیوه‌ها و طرقی هم به کار میبرند؛ مثل تبلیغات زهرآگین و تحریفها و لجن پراکنیها. این چیزها، در همه جای حوزه نفوذ قدرتهای استکباری وجود دارد. نقطه مقابل آنها، حرکتی است که مسلمانان باید انجام دهند. باید یاد امام را زنده و نام او را بلند کنند. خط روشنی را که او ترسیم کرده است، برای افکار و اذهان تبیین کنند و بگویند که امام دنبال چه چیزی بود. بفهمانند که احکام اسلام و روحیه عزت اسلامی، آن دو نقطه روشنی است که امام به دنبال آن بوده است.

در داخل کشور ما نیز همین طور است. ملت ما اگر میخواهد این راه عزت را دنبال کند، باید یاد و نام امام را روز به روز زنده تر کند. اگر ملت میخواهد به برکت بازوان توانا و ابتکار و خلاقیت خودش، ایران را بسازد که مایه غیبه ملت‌ها و کشورها باشد، باید روز به روز به دستورات امام بیشتر توجه کند. بعضی دلهای غافل، ممکن است خیال کنند یا تبلیغ نمایند که راه امام و خط امام، معنویات و آخرت را برای مردم تامین میکند؛ اما دنیا پشان آباد نمیشود! این، خطاست. راه خدا برای انسانها، دنیا و آخرت را آباد میکند؛ زندگی را شیرین و آسان میکند و فشار تحمیل دشمن را از سرانها برمیدارد و کم میکند. راه خدا این گونه است و راه امام نیز همین راه خداست.

### بیانات در دیدار اعضای هیات علمی کنگره امام خمینی (ره) / ۱۱/۰۳/۱۳۷۸

مبنای فقهی ایشان این طور بود. برای این قضیه، ایشان استناد فقهی داشتند. البته چیزیکه در کتاب مکاسب گفتند، در جهانی با این تفاوت دارد؛ اما براساس مبنای فقهی میگفتند؛ بر اساس ضرورت و مصلحت و پسند دنیا نبود. البته ممکن است کسی با کلیات و جزئیات این نظر موافقت نداشته باشد؛ خیلی خوب، نظر خودش است؛ لیکن نظر امام تحریف نشود. شما باید خیلی مراقبت کنید که نظر امام واقعا به گونه‌ای درآید که در کلمات و کتابها و حرفها و منش ایشان معلوم است. این نکته خیلی مهم است و به نظر من یک مسوولیت تاریخی و امانتی بردوش شماست.

### خطبه‌های نماز جمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۲/۰۳/۱۳۸۹

بهترین شاخصها، خود امام و خط امام است. امام بهترین شاخص برای ماست. اگر این تشبیه با همه‌ی فاصله‌های که وجود دارد، به نظر برسد، عیبی ندارد که تشبیه کنیم به وجود مقدس پیغمبر که قرآن میفرماید: «لقد کان لکم فی رسول‌الله اسوه حسنه لمن کان یرجوا الله و الیوم الآخر». (۴) خود پیغمبر اسوه است؛ رفتار او، کردار او، اخلاق او. یا در یک آیه شریفه‌ی دیگر میفرماید: «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه»؛ (۵) ابراهیم و یاران ابراهیم اسوه‌اند. در اینجا یاران ابراهیم پیغمبر هم ذکر شده‌اند تا کسی نگوید که پیغمبر معصوم بود یا ابراهیم معصوم بود، ما نمیتوانیم از آنها تبعیت کنیم؛ نه، «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه اذ قالوا لقمومهم انا برا منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم» تا آخر آیه شریفه.

در مورد امام بزرگوار که شاگرد این مکتب و دنباله‌رو راه این انبیای عظام است، همین معنا صدق میکند. خود امام برجسته‌ترین شاخصهاست؛ رفتار امام، گفتار امام، خوشبختانه بیانات امام در دسترس است، تدوین شده است. وصیتنامه‌ی امام آشکارا همه‌ی مافیالضمیر امام را برای آینده‌ی انقلاب تبیین میکند. نباید اجازه داد این شاخصها غلط تبیین شوند، یا پنهان بمانند، یا فراموش بشوند. اگر این شاخصها را ما بد تبیین کردیم، غلط ارائه دادیم، مثل این است که یک قطب‌نما را در یک راه از دست بدهیم، یا قطب‌نما از کار بیفتد. فرض کنید در یک مسیر دریایی یا در یک بیابان که جاده‌های هم وجود ندارد، قطب‌نمای انسان آسیب ببیند و از کار بیفتد؛ انسان متحیر میماند. اگر نظرات امام، بد بیان شد، بد تبیین شد، مثل این است که قطب‌نما از کار بیفتد، راه گم میشود؛ هر کسی به سلیقه‌ی خود، به میل خود حرفی میزند. بدخواهان هم در این میان از فرصت استفاده میکنند، راه را جوری تبیین میکنند که ملت به اشتباه بیفتد.

مواضع امام بایستی به طور روشن و واضح - همان طور که خود او گفت، همان طور که خود او نوشت - تبیین شود؛ این ملاک راه امام و خط امام و صراط مستقیم انقلاب است. یک نفر صریح میگوید من امام را قبول ندارم - این بحث دیگری است - خیلی خوب، پیروان امام و طرفداران امام با کسی که صریح بگوید من امام را قبول ندارم، راه او را غلط میدانم، حسابشان روشن است؛ اما اگر قرار است در خط امام، با اشاره‌ی انگشت امام، این انقلاب پیش برود، باید معلوم باشد، روشن باشد و مواضع امام بزرگوارمان بدرستی تبیین شود.

نباید برای خوشامد این و آن، برخی از مواضع حقیقی امام را یا انکار کرد، یا مخفی نگه داشت. بعضی اینجور فکر میکنند - و این فکر غلطی است - که برای اینکه امام پیروان بیشتری پیدا کند، کسانی که مخالف امام هستند، آنها هم به امام علاقه‌مند شوند، بایستی ما بعضی از مواضع صریح امام را یا پنهان کنیم یا نگوئیم یا کم‌رنگ کنیم؛ نه، امام هویتش، شخصیتش به همین مواضعی است که خود او با صریح‌ترین بیانات، روشن‌ترین الفاظ و کلمات، آنها را بیان کرد. همین‌ها بود که دنیا را تکان داد. همین مواضع صریح بود که نوده‌های عظیم را مشتاق ملت ایران و بسیاری را پیرو ملت ایران کرد. این نهضت عظیم جهانی که شما امروز در گوشه و کنار دنیای اسلام نشانه‌های آن را میبینید، از این طریق به راه افتاد.

امام را صریح باید آورد وسط میدان. مواضعش بر علیه استکبار، مواضعش بر علیه ارتجاع، مواضعش بر علیه لیبرال دموکراسی غرب، مواضعش بر علیه منافقان و دورویان را باید صریح گذاشت. کسانی که تحت تاثیر آن شخصیت عظیم قرار گرفتند، این مواضع را دیدند و تسلیم شدند. نمیشود به خاطر اینکه زید و عمرو از امام خوششان بیاید، ما مواضع امام را پنهان کنیم یا پوشیده کنیم یا آن چیزهایی که به نظرمان تند می‌آید، کم‌رنگ کنیم. عده‌ای در یک دورانی - که ما آن دوران را به یاد داریم؛ دوران جوانیها ما - برای اینکه اسلام علاقه‌مندان و طرفدارانی پیدا کند، بعضی از احکام اسلام را کم‌رنگ میکردند، ندیده میگرفتند؛ حکم قصاص را، حکم جهاد را، حکم حجاب را انکار و پنهان میکردند، میگفتند اینها از اسلام نیست، قصاص از اسلام نیست، جهاد از اسلام نیست، برای اینکه فلان مستشرق یا فلان دشمن میانی اسلامی از اسلام خوشش بیاید! این غلط است. اسلام را با کلیتش بایستی بیان کرد.

امام منهای خط امام، آن امامی نیست که ملت ایران به نفس او، به هدایت او جانانشان را کف دست گرفتند، فرزندانانشان را به کام مرگ فرستادند، از جان و مالشان دریغ نکردند و بزرگترین حرکت قرن معاصر را در این نقطه‌ی عالم به وجود آوردند. امام منهای خط امام، امام بی‌هویت است. سلب هویت از امام، خدمت به امام نیست. میانی امام، میانی روشنی بود. این میانی - اگر کسی نخواهد مجامله کند، تعارف کند - در کلمات امام، در بیانات امام، در نامه‌های امام، و بخصوص در وصیتنامه‌ی امام - که کوتاه شده‌ی همه‌ی آن مواضع است - منعکس است. این میانی فکری همان چیزی است که آن موج عظیم و سهمگین را علیه غارتگرهای غرب و یکه‌تازهای آمریکا در دنیا به وجود آورد. شما خیال میکنید اینکه رئیس جمهورهای گوناگون آمریکا به هر کشوری از این کشورهای آسیا و خاورمیانه سفر کردند، حتی در بعضی از کشورهای اروپایی مردم جمع شدند و علیه آنها شعار دادند، همیشه اینجور بود؟ نه، این حرکت امام بود، افشاگری امام بود، موضعگیری امام بود که استکبار را رسوا کرد، صهیونیسم را رسوا کرد، و روح مقاومت را در ملتها و بخصوص در جوامع اسلامی زنده کرد.

این کج‌اندیشی است که ما مواضع امام را انکار کنیم. این کج‌اندیشی را هم متأسفانه بعضا کسانی انجام میدهند که یک وقتی خودشان جزو مروجان افکار امام بودند یا جزو پیروان امام بودند. حالا به هر دلیلی راه‌ها کج میشود، هدفها گم میشود، یک عده‌ای برمیگردند؛ بعد از آنکه سالهای متمادی برای امام و برای این هدفها حرف زدند و حرکت کردند، در مقابل این اهداف و این میانی میایستند و آن حرفها را میزنند!

خوب، خط امام اجزائی دارد. مهمترین آنچه که در مورد خط امام و راه امام میشود گفت، چند نکته است که من عرض میکنم. و بخصوص به جوانها عرض میکنم: بروید وصیتنامه‌ی امام را بخوانید. امامی که دنیا را تکان داد، امامی است که در این وصیتنامه منعکس است، در این آثار و گفتار منعکس است.

### خطبه‌های نماز جمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۹/۰۳/۱۴

امام دعوای شخصی ندارد؛ اما در دائره‌ی مکتب، با قاطعیت کامل، جاذبه و دافعه‌ی خود را اعمال میکنند. این یک شاخص عمده از زندگی امام و مکتب امام است. تولی و تبری در عرصه‌ی سیاست هم باید تابع تفکر و فکر و مبنای اسلامی و مذهبی باشد؛ اینجا هم باید انسان ملاک و معیار را این قرار بدهد؛ ببیند خدای متعال از او چه میخواهد.

با این روشی که امام در پیش گرفته بود و در گفتار و کردار او منعکس بود، نمیشود انسان خود را در خط امام بدانند، دنباله‌رو امام بدانند، اما با کسانی که صریحا برچم معارضه‌ی با امام و اسلام را بلند میکنند، خودش را در یک جبهه تعریف کند. نمیشود قبول کرد که آمریکا و انگلیس و سیا و موساد و سلطنت‌طلب و منافق بر روی یک محوری توافق کنند، حول یک محوری جمع بشوند، بعد آن محور باز ادعا کند که من خط امامم! این نمیشود، این قابل قبول نیست. نمیشود با هر کس و ناکسی ائتلاف کرد. باید بینیم دشمنان دیروز امام در برابر ما چه موضعی میگیرند. اگر دیدیم مواضع ما جورکی است که آمریکای مستنکر، صهیونیست غاصب، مزدوران قدرتهای گوناگون، مخالفین و معاندین امام و اسلام و انقلاب از ما تجلیل میکنند، احترام میکنند، بایستی در مواضعمان شک کنیم؛ باید بدانیم که راه درست و مستقیم را نمیرویم. این معیار است، این یک ملاک است. امام هم بارها بر همین تکیه میکرد. امام میفرمود - در نوشته‌جات امام وجود دارد، در اسناد قطعی فرمایشات امام این هست - که اگر از ما تعریف کردند، بدانیم که خیانتکاریم. این خیلی مهم است. کسانی ببینند درست در خط مقابل امام حرکت کنند، درباره‌ی مسئله‌ی قدس در روز قدس آنجور موضعگیری کنند، در روز عاشورا آن فضاقت را به بار بیاورند، بعد ما با کسانی که با اساس مبنای امام و حرکت امام صریحا مخالفند، اظهار همراهی کنیم، خودمان را در کنار اینها قرار بدهیم و تعریف کنیم، یا در مقابل اینها سکوت کنیم؛ در عین حال بگوئیم ما دنباله‌رو امامیم! این امکان ندارد، این قابل قبول نیست. ملت هم این را خوب فهمیدند. ملت این را میبیند، میداند، میشناسد، میفهمد.

### بیانات در آخرین دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت دهم / ۱۳۹۲/۰۴/۲۳

در مورد کشور و انقلاب ما هم این کار را دشمن شروع کرد؛ البته موفق نشدند؛ خدا را شکر میکنیم. دشمن نتوانست شعارهای انقلاب را کمرنگ و سپس محو کند. به نظر من یک بخش عمده‌ای از این هم مربوط میشود به هوشیاری امام بزرگوارمان. آنچه که امام بزرگوار از اظهارات خود، از گفته‌های خود، از نوشته‌های خود در میان ما باقی گذاشت، بیانات است، محکومات است؛ متشابهات نیست که کسی آنها را نفهمد. آخرین سخن امام هم وصیتنامه‌ی امام است. من همیشه به مسئولین و کسانی که در دولت‌های گوناگون یک کار مهمی دستشان بوده است، توصیه میکردم که به وصیتنامه‌ی امام مراجعه کنند. وصیتنامه‌ی امام، لب ارزشهای مورد نظر امام است؛ اینها را امام باقی گذاشته، زنده گذاشته است. لذاست که این ارزشها قابل تحریف نیست، قابل تغییر نیست. بله، ندیده گرفتن اینها امری است که میسر است برای کسانی که بخواهند ندیده بگیرند. این دولت این شعارها را مطرح کرد، برجسته کرد، سر دست گرفت، به آنها افتخار کرد؛ در مجامع جهانی، احساس شرم از انگیزه‌های انقلابی و از اهداف انقلابی و از شیوه‌های انقلابی نکرد؛ این خیلی کار بزرگی بود.

### بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۲/۰۳/۱۴

مطلبی که به مناسبت چهاردهم خرداد برای برادران و خواهران عزیزی که در این جلسه‌ی عظیم و باشکوه حضور دارند و نیز برای ملت ایران آماده کرده‌ام، طبق معمول بحثی درباره‌ی امام بزرگوار ما است. سخن در این باره زیاد گفته‌ایم اما همچنان جای سخن درباره‌ی این مرد بزرگ باقی است. آنچه امروز به شما عرض میکنم تحت عنوان «تحریف شخصیت امام» است. آیا شخصیت‌ها هم قابل تحریفند؟ معمولا عنوان تحریف را و اصطلاح تحریف را درباره‌ی تحریف متون به کار میبریم؛ آیا شخصیت‌ها را هم میشود تحریف کرد؟ بله. تحریف شخصیت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ، یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به‌صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه‌ی اینها برمیگردد به تحریف شخصیت. شخصیتی که الگو است، امام و پیشوا است، رفتار او، گفتار او برای نسل‌های بعد از خود او راهنما و رهنمود است، اگر تحریف شود زبان بزرگی به‌وجود خواهد آمد. امام را نباید به‌عنوان صرفا یک شخصیت محترم تاریخی مورد توجه قرار داد؛ بعضی این‌جور میخواهند؛ امام یک شخصیت محترمی است در تاریخ این کشور که روزگاری بود، فعال بود، مفید بود، بعد هم از میان جمعیت رفت و روزگار او تمام شد؛ احترامش میکنیم، نامش را با تجلیل می‌آوریم، صرفا همین؛ بعضی میخواهند امام را این‌جور بشناسند و بشناسانند و این‌جور تلقی کنند؛ این غلط است. امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد؛ امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد؛ ادامه‌ی این راه بستگی دارد به اینکه این نقشه‌ی راه، درست شناخته بشود؛ بدون اینکه امام را درست بشناسیم - به‌معنای شناخت اصول امام - این نقشه‌ی راه، شناخته نخواهد شد. بدیهی است بحث ما بر مبنای فکری امام است؛ بحث بر سر تصمیم‌های مقطعی و مربوط به زمان یا مکان نیست؛ بحث بر سر آن شاکله‌ی اصلی تفکر امام بزرگوار ما است؛ این را میخواهیم درست بشناسیم. امام البته یک فقیه بزرگ بود؛ هم یک فقیه برجسته و بزرگ بود، هم فیلسوف بود، هم صاحب‌نظر در عرفان نظری بود، در این مسائل [و] بخشهای فنی و علمی یک سرآمد به‌حساب می‌آمد لکن شخصیت برجسته‌ی امام به هیچ‌کدام از اینها وابسته نیست؛ بلکه شخصیت اصلی امام در تحقق مضمون آیه‌ی «و جُهدوا فی الله حق جهاده» (۴) [بود]؛ امام بزرگوار با داشتن آن زمینه‌های برجسته‌ی علمی، وارد میدان مجاهدت فی‌سبیل‌الله شد و این مجاهدت را تا آخر عمر خود ادامه داد و حرکت عظیمی را به‌وجود آورد؛ نه فقط در کشور خود بلکه در همه‌ی منطقه‌ی ما و در همه‌ی دنیای اسلام و به یک اعتبار در همه‌ی جهان. محصول این حرکت، یک محصول بی‌نظیر بود.

دو کار بزرگ و بی‌سابقه‌ی در تاریخ کشور ما به‌وسیله‌ی امام تحقق پیدا کرد؛ یکی برانداختن بنای سلطنت موروثی ظالمانه و غیر عاقلانه که چند هزار سال در کشور ما سابقه داشت. این بنای پوسیده‌ی کهنه‌ی غلط که حکومت کشور به دست انسانهایی باشد و به‌صورت موروثی از کسی به کسی برسد، یا با شمشیر و زور نظامی حکومت به دست بیاید و بعد نسل به نسل از یکی به دیگری به ارث برسد، یک سنت غلط و بی‌منطق در طول چند هزار سال در کشور ما بود؛ کار اول امام این بود که این بنای غلط را برانداخت و کار را به دست مردم کشور سپرد.

کار بزرگ دومی که امام بزرگوار انجام داد، ایجاد یک حکومت و نظامی بر اساس اسلام بود که این هم در تاریخ کشور ما بلکه بعد از صدر اسلام در تاریخ کل اسلام بی‌سابقه بود. این جهاد بزرگ امام بزرگوار ما یک چنین محصول ارزشمندی داشت و لذا جا دارد واقعا گفته بشود که «جاهد فی الله حق جهاده»؛ (۵) همچنانکه در قرآن هست؛ و جهاد فی الله حق جهاده؛ (۶) و همچنانکه درباره‌ی اولیای دین گفته میشود، این مرد بزرگ هم مصداق «جاهد فی الله حق جهاده» است.

البته در حاشیه‌ی این صحبت عرض بکنم که جهاد این مرد بزرگ صرفا جهاد سیاسی و اجتماعی یا جهاد فکری نبود بلکه همراه با همه‌ی این جهادها، جهاد درونی، جهاد با نفس، پایبندی به ارتباط مستمر و دائم با خدای متعال هم بود؛ این هم درس است. این‌جور نیست که اگر ما در میدان جهاد فکری یا جهاد علمی یا جهاد سیاسی یا جهاد نظامی وارد شدیم، حق داشته باشیم که از این بخش از جهاد صرف‌نظر کنیم. امام بزرگوار اهل خشوع بود، اهل بکا بود، اهل دعا بود، اهل توسل و تضرع بود. در همین ماه مبارک شعبان مکرر این فقره‌ی مناجات شعبانیه را در سخنرانی خود تکرار میکرد؛ الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیا

نظرها الیک حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور فصل الی معدن العظمه (۷) این رفتار او بود، گریه‌ی سحرگهان او، مناجات او، دعای او، ارتباط دائمی او که این حالت، پشتوانه‌ی معنوی تداوم و استمرار جهاد این مرد بزرگ را تشکیل میداد. این‌ها هم در حاشیه‌ی جهاد فی‌سبیل‌الله امام بزرگوارمان به یاد داشته باشیم.

منظومه‌ی فکری امام دارای خصوصیات کامل یک مکتب فکری و اجتماعی و سیاسی است. اولاً متکی و مبتنی بر یک جهان‌بینی است که این جهان‌بینی عبارت است از توحید. همه‌ی فعالیت او، همه‌ی منطق او مبتنی بود بر توحید که زیربنای اصلی همه‌ی تفکرات اسلامی است.

خصوصیت دیگر این منظومه‌ی فکری که آن را به‌صورت یک مکتب به معنای واقعی کلمه در می‌آورد، این است که منظومه‌ی فکری امام به‌روز بود؛ مسائل مورد ابتلای جوامع بشری و جامعه‌ی ایرانی را مطرح میکرد و مخاطبان، آن را حس میکردند. در مکتب فکری امام، ضدیت با استبداد و ضدیت با استکبار حرف اول را میزند؛ این آن چیزی است که ملت ایران هم آن را حس میکرد، ملت‌های مسلمان دیگر بلکه ملت‌های غیر مسلمان [هم] آن را حس کردند؛ برای همین این دعوت گسترش پیدا کرد.

خصوصیت دیگر این مکتب فکری این بود که زنده و پویا و پر تحرک و عملیاتی بود؛ مثل بعضی از اندیشه‌پردازی‌ها و تئوری‌سازی‌های روشنفکرانه نبود که در محفل بحث، حرف‌های زیبا و فشنگی است اما در میدان عمل کارایی ندارد؛ منطق امام، فکر امام، راه امام، عملیاتی بود؛ قابل تحقق در میدان عمل بود؛ به همین دلیل هم به پیروزی رسید و پیش رفت؛ این حرکت، مسیر تاریخ کشور ما را عوض کرد.

ما ملت ایران، ملتی بودیم زبردست و غرقه در بی‌هدفی و ناامیدی؛ ما ملتی بودیم وابسته؛ ملتی بودیم که بعد ما را عقب نگه داشته بودند؛ هم فکر خود را بر ما تحمیل میکردند، هم فرهنگ خود را؛ هم منابع اقتصادی ما را میبردند و هم کاروان لجنزاری از عادات زشت را به‌سوی کشور ما سرازیر میکردند؛ ما یک چنین ملتی بودیم. [امام] ما را تبدیل کرد به یک ملت پر انگیزه، به یک ملت پر امید، به یک ملت پر تحرک، به یک ملت دارای هدف‌های بزرگ. امروز ملت ایران پر تحرک است، پر انگیزه است، امیدوار است و به سمت هدف‌های بزرگ روانه است. البته ما با هدف‌های خودمان هنوز خیلی فاصله داریم اما مهم این است که در حال حرکتیم؛ مهم این است که نیرو و همت پیشرفت در ملت ما وجود دارد؛ مهم این است که جوانان ما معتقدند که میتوانند به این هدف‌ها برسند؛ میتوانند عدالت اجتماعی را به‌طور کامل تامین کنند؛ میتوانند پیشرفت و ثروت را به این کشور بیاورند؛ میتوانند ما را به یک کشور پیشرفته و دارای قدرت متناسب با هویت تاریخی خودمان تبدیل کنند؛ این امید، امروز در کشور ما موج میزند و جوان‌های ما در این جهت در حرکتند. ما از حال تخدیرشده بیرون آمدیم، از حال خواب‌آلودگی بیرون آمدیم، این کار را نهضت امام بزرگوار ما و این مرد بزرگ انجام داده است.

اگر ملت ایران بخواهد به آن هدف‌ها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سلیبی خواهد خورد، همه باید بدانند که هاضمه‌ی سیری‌ناپذیر استکبار جهانی چشم از کشورشان برنداشته است؛ یک کشور بزرگ، یک کشور ثروتمند، یک کشور واقع‌شده‌ی در یک چهارراه حساس جهانی، برای قدرتمندان دغل‌باز عالم خیلی مهم است. اینها دست از طمع خود برنداشته‌اند، چشم برنداشته‌اند؛ فقط آن‌وقتی عقب خواهند نشست که شما ملت ایران آن‌چنان قدرتی پیدا کنید، آن‌چنان پیشرفتی پیدا کنید که امید آنها قطع بشود. اینجا است که خطر تحریف امام اهمیت پیدا میکند؛ اگر شخصیت امام تحریف شد، بد معرفی شد، غلط معرفی شد، همه‌ی این خطرات بزرگ متوجه ملت ایران خواهد شد؛ اینجا است که خطر تحریف امام به‌عنوان یک هشدار باید در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب‌نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام، کسانی که علاقه‌ی به این راه دارند و عموم جوانان، فرزندان، دانشگاهیان، حوزویان تلقی بشود.

### بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۴/۰۳/۱۲

در زمان حیات امام هم برای تحریف شخصیت امام کار میشد؛ از یک‌طرف دشمن بود که از اول انقلاب سعی کرد در تبلیغات جهانی خود امام را به‌صورت یک انقلابی خشک و خشن - از نوع آنچه در تاریخ انقلاب‌های بزرگ و معروف عالم مثل انقلاب فرانسه، انقلاب مارکسیستی شوروی و بعضی از انقلاب‌های دیگر می‌شناسیم - معرفی کند؛ یک انسانی که خشک است و خشن است و گره ابروی او باز نمیشود و صرفاً نگاه میکند به مقابله‌ی با دشمن و هیچ عاطفه‌ای، هیچ انعطافی در او نیست؛ امام را این‌جوری معرفی میکردند که این غلط بود، بله، امام قاطع بود، غیر متزلزل بود، در تصمیم خود - همان‌طور که حالا عرض خواهیم کرد - انسانی راسخ بود لکن مظهر عاطفه بود، مظهر لطافت بود، مظهر محبت بود، مظهر دل‌داری و دل‌دادگی در مقابل خدا و در مقابل خلق خدا، بخصوص نسبت به قشرهای مظلوم و مستضعف جامعه بود؛ این کاری بود که دشمن از روز اول در انقلاب ما، در تبلیغات جهانی نسبت به امام انجام میداد.

در داخل هم بعضی ندانسته، بعضی هم دانسته [شخصیت امام را] تحریف میکردند؛ حتی زمان حیات خود امام، هر حرفی را که به‌نظرشان پسندیده بود، به امام نسبت میدادند؛ درحالی‌که ارتباطی به امام نداشت. بعد از رحلت امام هم همین جریان ادامه داشته است؛ حتی تا آنجایی که بعضی حرف‌ها و بعضی اظهارات، امام را به‌صورت یک آدم لیبرال که هیچ قید و شرطی در رفتار او در زمینه‌های سیاسی، حتی در زمینه‌های فکری و فرهنگی وجود ندارد معرفی میکنند؛ این هم بشدت غلط و خلاف واقع است. ما اگر بخواهیم شخصیت امام را به معنای واقعی کلمه پیدا کنیم، این راه دارد؛ اگر ما این راه را - که عرض خواهیم کرد - رفتیم، مطلب حل خواهد شد والا امروز کسانی می‌آیند طبق میل خود و سلیقه‌ی خود یک‌جور امام را معرفی میکنند، ممکن است در فرداها کسان دیگری بیایند و بر طبق سلاقی دیگری، بر طبق حوادث دیگری که در دنیا پیش می‌آید، مصلحت بدانند که امام را جور دیگری معرفی کنند؛ این نمیشود. محبوبیت امام در بین مردم یک چیز ماندگار است؛ این را نتوانست دشمن از بین ببرد؛ برای همین، مسئله‌ی تحریف شخصیت امام نافذ در دل‌های مردمان زیادی - در کشور و بیرون از کشور - خطر بزرگی محسوب میشود.

آن راهی که میتواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است. امام یک اصولی دارد، یک میان‌بانی دارد؛ این میان‌بانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است؛ اصول امام را در این بیانات میشد پیدا کرد؛ این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛ شخصیت امام این است. نمی‌گویم به هر مطلب فرعی توجه کنید؛ زندگی امام مثل زندگی همه‌ی انسان‌های دیگر فرازونشیب‌هایی دارد؛ حوادثی در آن اتفاق افتاده است و هر حادثه‌ای اقتصادی داشته است؛ مطالب اصولی را عرض میکنیم، آن چیزهایی که قابل انکار نیست، جزو بیانات امام است، در طول سال‌های متماد، چه قبل از تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران جنگ تحمیلی هشت‌ساله، چه قبل از آن و چه بعد از آن، این اصول را امام در بیانات خود تکرار کرده است؛ این اصول را گزینشی هم نایستی انتخاب کرد. من البته امروز پنج شش مورد از اینها را عرض میکنم اما همین‌جا هم می‌گویم اصول امام ممکن است فقط اینها نباشد، صاحب‌نظران و افرادی که میتوانند و توانایی این کار را دارند، بروند دنبال کنند، بیانات امام را نگاه کنند - بحمدالله تدوین‌شده است، موجود است، در اختیار همه است - و این اصول را استخراج کنند. من امروز همه‌ی اصول قابل استخراج از بیانات امام را نمیتوانم عرض بکنم، پنج، شش مورد را امروز عرض میکنم، نمی‌خواهم گزینشی باشد، لذا می‌گویم افراد بروند نگاه کنند، مواردی را پیدا کنند؛ اما آنچه را من امروز عرض میکنم جزو مسلمات منطق امام و مکتب امام و راه امام و خط امام است.

### بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۴/۰۳/۱۲

آن راهی که میتواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است. امام یک اصولی دارد، یک میان‌بانی دارد؛ این میان‌بانی در طول ده سال دوران حاکمیت

اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است؛ اصول امام را در این بیانات می‌شود پیدا کرد؛ این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛ شخصیت امام این است. نمی‌گویم به هر مطلب فرعی توجه کنید؛ زندگی امام مثل زندگی همه‌ی انسانهای دیگر فرازونشیب‌هایی دارد؛ حوادثی در آن اتفاق افتاده است و هر حادثه‌ای اقتضای داشته است؛ مطالب اصولی را عرض می‌کنیم، آن چیزهایی که قابل انکار نیست، جزو بیانات امام است، در طول سالهای متمادی، چه قبل از تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران جنگ تحمیلی هشت‌ساله، چه قبل از آن و چه بعد از آن، این اصول را امام در بیانات خود تکرار کرده است؛ این اصول را گزینشی هم نایستی انتخاب کرد. من البته امروز پنج شش مورد از اینها را عرض می‌کنم اما همین‌جا هم می‌گویم اصول امام ممکن است فقط اینها نباشد، صاحب‌نظران و افرادی که می‌توانند و توانایی این کار را دارند، بروند دنبال کنند، بیانات امام را نگاه کنند - بحمدالله تدوین شده است، موجود است، در اختیار همه است - و این اصول را استخراج کنند. من امروز همه‌ی اصول قابل استخراج از بیانات امام را نمیتوانم عرض بکنم، پنج، شش مورد را امروز عرض می‌کنم، نمی‌خواهم گزینشی باشد، لذا می‌گویم افراد بروند نگاه کنند، مواردی را پیدا کنند؛ اما آنچه را من امروز عرض می‌کنم جزو مسلمات منطق امام و مکتب امام و راه امام و خط امام است.

اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است. امام، اسلام ناب را در مقابل اسلام آمریکایی قرار داد. اسلام آمریکایی چیست؟ اسلام آمریکایی در زمان ما و در زمان امام و در همه‌ی زمانها - تا آنجایی که ما می‌شناسیم، ممکن است در آینده هم همین‌جور باشد - دو شاخه بیشتر ندارد؛ یکی اسلام سکولار، یکی اسلام متحجر؛ لذا امام، آن کسانی را که تفکر سکولاری داشتند - یعنی دین را، جامعه را، رفتار اجتماعی انسانها را، جدای از اسلام می‌خواستند - همواره در ردیف کسانی گذاشت که نگاه متحجرانه‌ی به دین داشتند؛ یعنی نگاه عقب‌افتاده‌ی غیر قابل فهم برای انسانهای نواندیش و متعصبانه‌ی بروی مبانی غلط، تحجر؛ هردوی اینها را امام در کنار هم همواره ذکر کرده است. امروز که شما نگاه می‌کنید، می‌بینید هردو نمونه‌ی اسلام، در دنیای اسلام وجود دارد، هردو هم مورد حمایت قدرتهای قدر دنیا و مورد حمایت آمریکا است. امروز، هم جریان منحرف داعش و القاعده و امثال اینها مورد حمایت آمریکا و اسرائیلند، هم بعضی از جریانهای به نام اسلام و بیگانه‌ی از عمل اسلامی و فقه اسلامی و شریعت اسلامی، مورد حمایت آمریکا است. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جاافتاده و تکمیل‌شده‌ی در حوزه‌های علمی، استنباط می‌شود و به دست می‌آید. این‌جور نیست که روش استنباط مورد توجه نباشد و هرکسی بتواند قرآن را باز کند و اصول حرکت اجتماعی را استنباط بکند؛ نه، این یک متد دارد، این روش دارد؛ این روش علمی است، کارشده است، کسانی هستند که می‌توانند این روش را دنبال کنند. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار این است. البته هرکسی هم که آن متد را بلد است، آن روش را بلد است، قادر نیست؛ باید فکر روشن داشته باشد، باید آشنا با زمان و مکان باشد، باید نیازهای بالفعل جوامع بشری و جوامع اسلامی را بشناسد، باید دشمن را بشناسد، نحوه‌ی دشمنی‌های او را بداند، آنوقت می‌تواند اسلام ناب را مشخص کند و بشناسد و بشناساند. اسلام آخوندهای درباری - که امام مکرر با همین تعبیر از آنها اسم می‌آوردند - اسلام داعشی؛ از آن طرف، اسلام بی‌تفاوت در مقابل جنایات صهیونیستی، در مقابل جنایات آمریکا، اسلام چشم‌دوخته‌ی به آمریکا و قدرتهای بزرگ و به اشاره‌ی آمریکا، اینها همه سر در یک آخور دارند؛ در یک جا اینها همه به هم میرسند؛ از نظر امام اینها همه مردودند. اسلامی که امام معرفی می‌کند، در مقابل همه‌ی اینها است. پیرو امام، آن کسی که دنباله‌رو امام است، باید مرزبندی داشته باشد؛ هم با اسلام متحجر، هم با اسلام سکولار؛ اسلام ناب را شناسایی کند و دنبال کند. یکی از اصول امام این است. این چیزی نیست که امام یک‌بار گفته باشد؛ در سرتاسر آثار امام، بیانات امام، گسترده است.

دوم؛ یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزا مکتب امام است. اتکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مومنین؛ و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند؛ و لعنهم الله؛ (۸) و غضب الله علیهم، (۹) آن کسانی که «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّوا السُّوْعَةَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوْعِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعْنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَ مَصِيرًا». (۱۰) اعتقاد به وعده‌ی الهی، به صدق وعده‌ی الهی - که فرموده است «ان تصروا الله ينصركم» (۱۱) - یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار ما است؛ باید به این وعده اعتماد و اتکال کرد. نقطه‌ی مقابل، به دل‌خوش‌کنک‌های دشمنان، مستکبران، قدرتهای جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل امام، در رفتار امام، در بیانات امام به‌طور کامل مشهود است. این اتکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب میشد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد. امام با صراحت صحبت میکرد؛ آنچه را مورد اعتقاد او بود صریح بیان میکرد، چون اتکا به خدا داشت، نه اینکه نمیدانست قدرتها بدشان می‌آید، نه اینکه نمیدانست آنها عصبانی میشوند، میدانست اما به قدرت الهی، به کمک الهی، به نصرت الهی باور داشت. در برابر حوادث، دچار رودریاستی نشد؛ به یکی از نامه‌ها - امام شاید به دو نامه از نامه‌های سران مستکبر دنیا یا وابستگان به مستکبر، - که به او نوشته بودند جواب داد، امام به آن نامه، با صراحت تمام، مطلب را جواب داد که همانوقت در صداوسیما جمهوری اسلامی پخش شد. البته امام مودبانه حرف می‌زد اما مواضع قاطع و روشن خود را در آن نامه‌ها بیان کرد و این توکل خود را امام مثل خونی در شریان ملت جاری کرد؛ ملت هم اهل توکل به خدای متعال شد، به نصرت الهی معتقد شد، و در این راه وارد شد. اینکه امام به مستکبرین هیچ اعتمادی و هیچ اعتقادی نداشت، موجب میشد که به وعده‌های آنها اعتنائی نکند. رئیس‌جمهور آمریکا - ریگان، که رئیس‌جمهور مقتدری هم بود - به امام نامه نوشت و پیغام فرستاد و آدم فرستاد، امام به او اعتنائی نکرد، پاسخی به او نداد و اعتنائی نکرد و وعده‌ای را که او داده بود، امام به هیچ گرفت.

در یک مورد دیگر، یک وعده‌ای در مورد پایان جنگ تحمیلی، یکی از دولتهای وابسته‌ی به آمریکا داده بود، بحث صدها میلیارد یا هزار میلیارد در میان بود، امام اعتنائی به آن نکردند، اعتماد نکردند. ما حالا در قضایای گوناگون جاری خودمان داریم همین معنا را لمس می‌کنیم، می‌بینیم که چطور نمیشود به وعده‌ی مستکبرین اعتماد کرد، به حرفهایی که در جلسه‌ی خصوصی می‌زنند نمی‌شود اعتماد کرد، این را داریم لمس می‌کنیم. امام آن را جزو خطوط اصلی کار خود قرار داد، اعتماد به خدا، بی‌اعتمادی به مستکبران. این البته به معنای قطع رابطه‌ی با دنیا نبود، [چون] سران کشورها به مناسبتهای مختلف برای امام پیام تبریک می‌فرستادند، امام هم به پیام تبریک آنها جواب میداد. ارتباط این‌جوری، در حد معمول، مودبانه و محترمانه وجود داشت اما هیچ‌گونه اعتمادی به مستکبرین و قلدران و تبعه و دنباله‌روان آنها وجود نداشت.

سوم؛ اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ این از جمله‌ی خطوط اصلی حرکت امام است. در آن روزها سعی میشد به‌خاطر یک برداشت نادرست، همه‌ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موکول و وابسته شود؛ امام بارها و بارها هشدار میداد - و این هشدارها در بیانات ایشان به‌طور واضح منعکس است - که این مسائل را به مردم بسپارید؛ اعتماد به مردم داشت در مسائل اقتصادی، اعتماد به مردم داشت در مسائل نظامی. این را توجه کنید؛ امام از اول پشتیبان ارتش بود؛ کسی که مانع از انحلال ارتش در کشور شد، شخص امام بود، با وجود این، نیروی سپاه را به وجود آورد، بعد هم نهاد بسیج را به وجود آورد؛ حرکت نظامی را یک جریان مردمی قرار داد. در مسائل اقتصادی، تکیه به مردم؛ در مسائل نظامی، تکیه به مردم؛ در مسائل سازندگی کشور، تکیه به مردم، که جهاد سازندگی را به راه انداخت؛ در مسائل تبلیغات، تکیه به مردم؛ و بالاتر از همه مسئله‌ی انتخابات کشور و آرا مردم در مدیریت کشور و تشکیلات نظام سیاسی کشور. در تمام طول این مدت - دوران حاکمیت امام بزرگوار ما ده سال است؛ از این ده سال، هشت سال در این کشور جنگ بود؛ شهرها بمباران میشد؛ جبهه‌ها مشغول جنگ بودند - که شاید در حدود ده انتخابات در کشور انجام گرفت، انتخاباتهای گوناگون یک روز از تاریخ مقرر خودش عقب نیفتاد؛ در همه‌ی مراحل، در همه‌ی احوال، در همه‌ی شرایط، امام بزرگوار اصرار داشت که انتخابات در وقت مقرر خود انجام بگیرد. اینکه در بعضی از کشورها معمول است حالت فوق‌العاده اعلام میکنند، امام یک روز حالت فوق‌العاده اعلام نکرد، به انتخابات اهمیت میداد. در روز انتخابات جزو اولین کسانی که پای صندوق رای حاضر میشد، شخص امام بزرگوار بود؛ اعتقاد به مردم، و به معنای حقیقی کلمه احترام برای آرا مردم و افکار مردم و تشخیص مردم قائل بود؛ ممکن بود آن چیزی را که مردم انتخاب میکنند، مورد نظر امام در یک موردی هم نباشد اما در عین حال برای آرا مردم احترام قائل بود، آنها را محترم میشمرد، آنها را معتبر میشمرد، این هم یکی از چیزها است. امام در مورد مردم به اینها هم اکتفا نکرد، مردم را ولی‌نعمت مسئولان معرفی کرد؛ مکرر امام ذکر کردند که این مردم ولی‌نعمت ما هستند؛ مواردی خود را خادم ملت معرفی کرد؛ میگفت: اگر به من خادم ملت بگویند بهتر از این است که رهبر بگویند؛ این خیلی حرف بزرگی است، نشان‌دهنده‌ی جایگاه برجسته‌ی مردم و افکار مردم و آرا مردم و حضور مردم در نظر امام است؛ مردم هم پاسخ مناسب دادند؛ در صحنه حضور پیدا کردند؛ آنجایی که انگشت اشاره‌ی او بود، مردم با جان‌فروشی

در آنجا حاضر شدند. این متقابل بود؛ امام به مردم اعتماد داشت، مردم به امام اعتماد داشتند؛ امام مردم را دوست داشت، مردم امام را دوست داشتند؛ این رابطه متقابل، یک امر طبیعی است.

نکنه‌ی چهارم در بعد مسائل داخلی کشور؛ امام طرفدار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد میکرد؛ اشرافیگری را با تلخی رد میکرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرفدار عدالت اجتماعی بود؛ طرفداری از مستضعفان شاید یکی از پر تکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است؛ این یکی از اصول قطعی امام است، همه باید تلاش کنند که فقر را ریشه‌کن کنند؛ همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند و تا آنجایی که در توان کشور است، به محرومان کمک کنند. از آن طرف به مسئولان کشور هشدار میداد درباره‌ی خوی کاخ‌نشینی - این نکته‌ای که در قرآن هم آمده است: و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا - (۱۲) و همه را از خوی کاخ‌نشینی برحذر میداشت، تاکید مکرر میکرد بر اینکه به وفاداری طبقات ضعیف اعتماد کنید؛ این را امام مکرر میگفت که این کوخ‌نشینانند، این فقرا، این محرومانند که این صحنه‌ها را با وجود محرومیتها پر کرده‌اند، اعتراض هم نمیکند، در میدانهای خطر هم حاضر میشوند؛ [اما] آن کسانی که بر خورداری‌های بیشتری داشتند، در موارد مختلف اگر مشکلی پیش می‌آمد، اتفاقاً آنها بیشتر ابراز ناراضی میکردند. این وفاداری طبقات متوسط مردم و طبقات محروم مردم، از نظر امام یک امر برجسته بود و این را تاکید میکرد. بر مصرف درست بیت‌المال تاکید میکرد، بر پرهیز کردن از اسراف تاکید میکرد. این هم یکی از خطوط اساسی است. مسئله‌ی عدالت اجتماعی، طرفداری از محرومان و دوری از خوی اشرافیگری و خوی تجمل‌گرایی و عمل در این جهت.

نکنه‌ی پنجم در بعد خارجی [است]. امام صریحاً در جبهه‌ی مخالف قلدان بین‌المللی و مستکبران قرار داشت. هیچ ملاحظه‌ای نمیکرد. این است که امام در مقابله‌ی میان قلدان و مستکبران و قدرتهای زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه‌ی مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی‌تقیه این را بیان میکرد. طرفدار جدی مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سر‌آشتی نداشت. واژه‌ی «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت؛ عنوان شیطان بزرگ را، هم به کار میبرد، هم از بن دندان اعتقاد به این معنا داشت. در مقابل از اول انقلاب کسانی بودند که توجه نمیکردند که آمریکا عقبه‌ی تغذیه‌کننده‌ی رژیم طاغوتی است که به‌وسیله‌ی ملت ایران برفاقت. ملت ایران رژیم طاغوت را ساقط کردند، اما کسانی بودند آن روز که با حضور آمریکایی‌ها، با فعالیت آنها - حتی فعالیت برخی از نهادهای آمریکایی - در داخل کشور موافق بودند! اختلاف عمده‌ی دولت موقت با امام بزرگوار سر این قضیه بود؛ ما از نزدیک میدیدیم. آنها توجه نمیکردند که آمریکا تغذیه‌کننده‌ی رژیم طاغوت بود؛ این رژیم حالا برفاقت است اما آن دستگاه تغذیه‌کننده هنوز باقی است، فعال است، اگر به او میدان داده شود، مجال داده شود، دوباره مشغول خواهد شد و ضربه خواهد زد و نقاط ضعف را جستجو خواهد کرد و از آن نقاط ضعف وارد خواهد شد؛ این را توجه نمیکردند. امام این را میدید. لذا موضع‌گیری امام در زمینه‌ی مسئله‌ی لانه‌ی جاسوسی ناشی از همین نگاه و همین دیدگاه بود. در دنیا کسانی به این نقطه توجه نکردند و ضربه‌اش را خوردند که حالا نمیخواهیم کسانی را شماتت و ملامت کنیم؛ اما این ضربه‌ای است که بعضی خوردند، به‌خاطر اینکه رژیم‌های مرتجع و مستکبر را ساقط کردند، [ولی] عقبه‌ی آنها را نادیده گرفتند. امام این عقبه را از روز اول دید، با آن مقابله کرد؛ لذا تا آخر، امام علیه آمریکا و دستگاه سیاسی و امنیتی آمریکا موضع داشت.

متقابلاً امام بزرگوار در طول این سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد، دفاع کرد. از فلسطین دفاع کرد، از افغانستان دفاع کرد. آن روزی که شوروی‌ها وارد افغانستان شدند، با اینکه ما گرفتار دشمنی آمریکا بودیم - دولت‌ها معمولاً در این مواقع که با یک طرف گرفتاری دارند، با طرف دیگر می‌سازند - امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوروی موضع قاطع گرفت، که این موضع قاطع را حتی بعضی از دولت‌هایی که گرایش غربی داشتند هم نگرفتند اما امام بزرگوار بدون هیچ ملاحظه‌ای از ملت افغانستان حمایت کرد، از ملت لبنان حمایت کرد، فلسطینی‌ها را با کمال صمیمیت مورد حمایت خودش قرار داد. این منطق امام است در مورد مقابله‌ی با استکبار. با این منطق امروز میشود قضایای دنیا را شناسایی کرد، موضع درست را میشود فهمید. امروز ما به همان اندازه‌ای که با رفتار وحشیانه و ظالمانه‌ی جریان داعش در عراق و در سوریه مخالفیم، به همان اندازه با رفتار ظالمانه‌ی پلیس فدرال آمریکا در داخل کشورشان مخالفیم - اینها هر دو مثل هم هستند - به همان اندازه با محاصره‌ی غزه که محاصره‌ی ظالمانه‌ی است علیه مردم مظلوم غزه مخالفیم، به همان اندازه با بمباران مردم مظلوم و بی‌پناه یمن مخالفیم، به همان اندازه با سخت‌گیری‌هایی که علیه مردم بحرین به‌وجود می‌آید مخالفیم، به همان اندازه با حمله‌ی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به مردم در افغانستان و در پاکستان مخالفیم. این منطق، منطق امام است. هر جا ظلم هست دو طرف وجود دارد؛ ظالم و مظلوم؛ ما طرفدار مظلومیم، مخالف با ظالمیم؛ این موضع‌گیری‌ای است که امام بصراحت انجام میداد و این یکی از خطوط اصلی است. امروز هم به همین دلیل مسئله‌ی فلسطین برای ما یک مسئله‌ی اصلی است؛ این را همه بدانند. مسئله‌ی فلسطین از دستور کار نظام جمهوری اسلامی خارج نخواهد شد. مسئله‌ی فلسطین، عرصه‌ی یک مجاهدت واجب و لازم اسلامی است، هیچ حادثه‌ای ما را از مسئله‌ی فلسطین جدا نمیکند. ممکن است کسانی در صحنه‌ی فلسطین باشند که به وظایفشان عمل نکنند، حساب آنها جدا است اما مردم فلسطین، ملت فلسطین، مجاهدان فلسطینی مورد تایید و حمایت ما هستند.

یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مسئله‌ی استقلال کشور، رد سلطه‌پذیری [است]؛ این هم یکی از سرفصل‌های مهم است. من سال گذشته در همین جلسه به مستمعین آن سال عرض کردم، (۱۲) استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت؛ این معنای استقلال است. اینکه بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اما آزادی یک ملت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریم‌های مخالفان و بیگانگان، محترم نباشد! این اصلاً قابل فهم نیست، قابل قبول نیست. متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی میکنند برای نفی استقلال کشور، استقلال را گاهی به انزوا معنا میکنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلم‌زنی میکنند و حرف می‌زنند؛ این حرف‌ها هم در بین جامعه پخش میشود. کسانی این‌جوری حرکت میکنند. این یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است. امام معتقد به استقلال کشور بود، معتقد به رد سلطه‌ی [بر] کشور بود. دشمن ما در طول این سالها، بسیاری از فعالیت‌هایی که علیه کشور ما و ملت ما کرده است برای این بود که خدشه‌ی در استقلال به‌وجود بیاورد؛ چه تحریم، چه تهدید، اینها استقلال را هدف گرفته‌اند. باید همه هوشیار باشند، بدانند که هدف‌های دشمن چیست. این هم یکی از خطوط اصلی است.

یکی دیگر از خطوط اصلی تفکر امام و راه امام - خط امام - این مطلب آخری است که عرض میکنم - مسئله‌ی وحدت ملی است و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن؛ چه تفرقه‌ی بر اساس مذهب، شیعه و سنی؛ چه تفرقه‌ی بر اساس قومیتها، فارس و عرب و ترک و کرد و لر و بلوچ و امثال اینها. تفرقه‌افکنی یکی از سیاست‌های قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما از اول بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت، یک تکیه‌ی کم‌تظیر داشت که این یکی از خطوط است. امروز ما این خط را هم باید دنبال بکنیم. امروز شما می‌بینید در دنیا مسئله‌ی تفرقه‌ی دنیای اسلام یکی از سیاست‌های اصلی استکبار است. آمریکایی‌ها کارشان به آنجا رسیده است که حالا دیگر اسم شیعه و سنی می‌آورند؛ اسلام شیعه، اسلام سنی؛ از یکی حمایت میکنند، به یکی حمله میکنند. در حالی که جمهوری اسلامی ایران از اول نسبت به این مسئله‌ی اختلاف مذهبی یک نگاه کاملاً یکسانی داشت. ما با برادران فلسطینی‌مان که سنی‌اند همان جور عمل کردیم که با برادران حزب‌الله لبنان که شیعه هستند عمل کردیم. همه جا یک جور عمل کردیم. نگاه امام بزرگوار ما در داخل کشور این بود، در دنیای اسلام نگاه جمهوری اسلامی نگاه امت‌ساز است، امت اسلامی مورد نظر است. اینکه نوکرهای دست دوم آمریکا می‌آیند مسئله‌ی هلال شیعی را مطرح میکنند، این نشان‌دهنده‌ی سیاست‌های تفرقه‌افکن است. اینکه آمریکایی‌ها علی‌رغم تبلیغات فراوان، نسبت به همین گروه‌های تفرقه‌افکن تکفیری در عراق و سوریه مداخلات میکنند - احياناً در مواردی هم به آنها به‌صورت بی‌خبر و مخفیانه کمک میکنند، عوام‌لشان که به‌صورت صریح از آنها حمایت میکنند - این نشان‌دهنده‌ی این است که نقش تفرقه‌افکنی از نظر دشمنان اسلام و مسلمین و دشمنان جمهوری اسلامی نقش بسیار برجسته‌ای است. این را همه توجه کنند؛ هم شیعه توجه کند، هم سنی توجه کند؛ بازی دشمن را نخورند. آن تسننی که آمریکا از آن حمایت کند و آن تشیعی که از مرکز لندن به دنیا صادر بشود، اینها مثل هم هستند؛ هر دوی آنها برادران شیطانند، هر دوی آنها عوامل آمریکا و غرب و استکبارند.

همدلی و هم‌زبانی‌ای که ما امسال اول سال بر آن تکیه کردیم و مکرر بعد از آن تکرار کردیم، بر همین مبنا استوار است. در داخل کشور، خواهران و برادران از اقوام مختلف، از مذاهب گوناگون، در کنار هم یک‌واحد تشکیل بدهند - همچنان‌که بحمدالله تا امروز بوده است - نگذارند دشمن نفوذ کند در قلمرو دنیای اسلام. در سطح وسیع و گسترده هم همین‌طور برادران سنی و شیعه در کنار هم بدانند که دشمنی [هست که] دارد اصل موجودیت اسلام را تهدید میکند. این هم یکی از خطوط اساسی.

من هفت مورد را از میانی و اصول امام عرض کردم و مطمئناً اصول امام منحصر در اینها نیست. دیگران هم بگردند، منتها هرکسی هر حرفی را که خودش می‌پسندد به امام نسبت ندهد. آنچه را به امام نسبت می‌دهیم، باید در منابع مربوط به امام موجود باشد، آن هم به شکل مکرر، به شکل مستمر، مثل همین موارد هفت‌گانه‌ای که ما گفتیم؛ اینها از اول بیانات امام تا آخر، همین‌طور که انسان مراجعه میکند، در طول سال‌های متمادی، همه‌ی این مطالب را انسان در بیانات امام میبیند، اینها میشوند اصول. دیگران هم بگردند با همین شیوه اصول را پیدا کنند. جاذبه و دافعه‌ی امام بر مبنای این اصول بود. ما هم می‌خواهیم جاذبه و دافعه داشته باشیم؛ جاذبه بر اساس این اصول، دافعه بر اساس این اصول.

### بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۶/۰۳/۱۲

در باب امام و درباره‌ی این مرد بزرگ، در طول این سالها سخنان زیادی را افراد مطلع بیان کرده‌اند ولی اولاً آنچه در باب امام و انقلاب - که اینها به هم گره خورده‌اند و یاد امام و نام امام از نام انقلاب جدا نیست - گفته شده است، همه‌ی مسائل مربوط به امام و انقلاب نیست؛ ناگفته‌هایی وجود دارد که باید بمرور در ذهنیت جامعه قرار بگیرد. ثانیاً آنچه هم در باب انقلاب و در باب امام گفته‌اند و تکرار کرده‌ایم، باید مرور بشود، باید مجدداً تکرار بشود؛ چون اگر یک حقیقتی بارها تکرار نشود و با جزئیات و خصوصیات ذکر نشود، گمان تحریف این حقیقت بمرور وجود دارد. اکثر شما میدانید که انگیزه‌هایی برای تحریف شخصیت امام و تحریف انقلاب - که بزرگ‌ترین هنر امام بزرگوار بود - هست. ما باید تکرار کنیم حقایق را که در باب امام و در باب انقلاب گفته‌ایم، باز هم بگوییم و تکرار کنیم و مجال تحریف را از تحریف‌کنندگان بگیریم. در شرع مقدس هم همین‌جور است، در حقایق تاریخی هم همین‌جور است؛ بسیاری از معارف دینی را مامور شده‌ایم که تکرار کنیم؛ من‌باب مثال، تلاوت قرآن را به‌طور دائم باید تکرار کنیم که حقایق قرآنی از ذهنها هرگز محو نشود؛ یا تاریخ را - تاریخ واقعی و درست را - باید تکرار کنیم. اگر ملت ما عاشورا را این‌جور در طول قرن‌های متمادی با اصرار تبیین نمی‌کردند و بیان نمی‌کردند، ممکن بود این حادثه‌ی مهم از یادها برود یا بسیار ضعیف‌تر از آنچه واقع شده است منعکس بشود.

عمده‌ی خطاب من در بحثهای امروز و صحبت امروز، به شما جوانهای عزیز است؛ علت هم این است [اولاً] که جوانها، دوران حماسه‌های بزرگ را مشاهده نکردند، ندیدند؛ دوران پیروزی انقلاب را، دوران دفاع مقدس را، دوران حرکات عظیم و مجاهدتهای بزرگ در مقابل تجزیه‌طلبان را جوانها [فقط] شنیده‌اند و اینها برای جوانهای ما تاریخ است؛ لذا لازم است برای آنها بیشتر توضیح داده بشود و بیان بشود؛ این اولاً. ثانیاً ذهن جوانها آماج تحریف تحریف‌کنندگان است؛ امروز بیشتر روی ذهن جوانهای ما می‌خواهند کار کنند و نگذارند نسل جوان گسترده‌ی این کشور، با بسیاری از حقایق آشنا بشود.

